زیبایی شناسی [esˈθetik] adj. زیبایی شناسی

اگر چیزی زیبایی شناختی است ، پس مربوط به عشق به زیبایی است.

→ این لباس ها به دلیل زیبایی طراحی قابل توجه بودند.

مغرور

arrogant [ˈærəgənt] adj. مغرور

اگر شخصی مغرور باشد ، فکر می کند که مهمتر از دیگران است.

بسیار مغرور است. حتی اگر رئیس نباشد ، به همه می گوید که چه کاری انجام دهند.

جانبداری

bias [ˈbaiəs] n جانبداری

تعصب احتمال اینکه یک چیز را بیشتر از چیز دیگری دوست داشته باشد وجود دارد.

→ مادران تعصب طبیعی نسبت به تصویر کودک خود داشتند.

دره

canyon [ækænjən] n. دره

دره دره باریکی با دیواره های شیب دار است که رودخانه اغلب از آن عبور می کند.

→ این دره چنان عمیق بود که زمین داخل آن سایه پوشیده بود.

نهر

creek [kriːk] n. نهر

نهر یک رودخانه یا رودخانه کوچک است.

→ فقط ماهی های کوچک در آبهای کم عمق نهر زندگی می کردند.

مته

drill [dril] n. مته

مته ابزاری با نقطه ای است که برای ایجاد سوراخ می چرخد.

→ نجار با استفاده از مته چندین سوراخ در چوب ایجاد کرد.

مجری

اجرایی [igˈzekjətiv] n. مجری

یک مدیر ، مدیر ارشد یک تجارت است.

→ پس از بیست سال حضور در شرکت ، سرانجام مدیر اجرایی شد.

خستگی

خستگی [fəˈtiːg] n خستگی

خستگی احساس خستگی مفرط است.

→ بعد از سه روز با خواب کم ، خستگی زیادی را احساس می کرد.

تمایل

incline [ˈinklain] n. تمایل

شیب ، افزایش شدید چیزی ، به ویژه تپه یا کوه است.

این کوه یکی از شیب دارترین شیب ها را در جهان دارد.

تند و زننده

nasty [ˈnæsti] adj. تند و زننده

اگر چیزی تند و زننده است ، پس خوب یا دلپذیر نیست.

apple سیب پوسیده طعم ناخوشایندی را در داخل دهانش گذاشت.

درک

درک کردن [pərsiːv] v

درک چیزی به معنای آگاهی از آن است.

→ او با صدای بلند صحبت می کرد ، بنابراین درک نکرد که موسیقی متوقف شده است.

پستاندار

primate [rapraimeit] n. پستاندار

پستانداران یک نوع پستاندار است که شامل میمون ها ، میمون ها و انسان ها می شود.

→ پستانداران از دست خود برای کارهایی مانند تاب خوردن از شاخه ها استفاده می کنند.

اولیه

primitive [ˈprimətiv] adj. اولیه

اگر چیزی ابتدایی باشد ، ساده ، اساسی است و خیلی پیشرفته نیست.

→ رایانه های دهه 1980 در مقایسه با رایانه های امروزی ابتدایی هستند.

کلیشه

stereotype [ˈsteriətaip] n. کلیشه

کلیشه یک ایده کلی اما اغلب نادرست در مورد یک شخص یا چیز است.

a یک کلیشه وجود دارد که خوک ها حیوانات کثیف هستند. اما آنها نسبتاً تمیز هستند.

چسبناک

چسبناک [ˈstiki] adj. چسبناک

اگر چیزی چسبناک است ، پس از آن با ماده ای پوشانده می شود که چیزها به آن می چسبند.

the قسمت چسبناک نوار را روی کاغذ قرار دهید ، بنابراین به دیوار می چسبد.

موریانه

termite [ˈtəːrmait] n موریانه

موریانه حشره ای است که به صورت گروهی زندگی می کند و از چوب تغذیه می کند.

→ چوبی که پیدا کردیم پر از موریانه بود.

در نتیجه

بدین وسیله [ˈðɛə: rˈbai] adv. در نتیجه

اگر در اثر آن عملی اتفاقی رخ دهد ، نتیجه آن عمل است.

→ او گلی به ثمر نرساند و بدین ترتیب شانس خود را برای ثبت رکورد خاتمه داد.

دنباله

trail [treil] n. دنباله

دنباله مسیری است که از طریق یک منطقه وحشی عبور می کند.

il یک مسیر باریک که از طریق مزرعه و بالای تپه ها عبور می کند.

شاخه

twig [twig] n. شاخه

شاخه شاخه ای کوتاه و نازک از درخت یا بوته است.

→ آنها آتش را با مشتی شاخه شاخه خشک آغاز کردند.

رفاه

رفاه [ɛəwelfɛə: r] n. رفاه

رفاه ، سلامتی و سعادت یک فرد یا گروه است.

→ داشتن آب تمیز فراوان برای رفاه حال مردم ضروری است.

چگونه دنباله دار دم خود را گرفت

سنگی منزوی در تاریکی و تاریکی فضای بیرونی پرسه می زد. با احساس غم و اندوه به آرامی از بین بقایای سیارک های شکسته عبور کرد. در کهکشان وسیع و زیبا ، این فقط یک سنگ کوچک بود. این یک اتم ناچیز بود.

در سفرهای خود با بسیاری از اشیا amazing شگفت انگیز روبرو شد. پرواز آن توسط هلال ماه های زیبایی انجام شد که پوشیده از دهانه و گرد و غبار ماه بود.

"چرا من نمی توانم مثل آنها زیبا باشم؟" فکر کرد

این صخره از یک سیاره عظیم عبور کرد. این کره دور صدها برابر بزرگتر از عرض سنگ کوچک داشت.

"چرا من نمی توانم به اندازه آن بزرگ باشم؟" تعجب کرد

سنگ پر از ناامیدی شد. اطراف آن را زیبایی و عظمت احاطه کرده بود ، اما فقط قطعه ای کوچک و زشت از سنگ بود.

روزی به منطقه یک ستاره نجومی نزدیک شد.

"مشکل چیه؟" ستاره پرسید.

"آه ، کاش مقام بالاتری در کهکشان داشتم. همه اجسام دیگر بسیار زیبا و بزرگ هستند. " "اما من فقط یک سنگ زشت هستم."

ستاره مشکل را در نظر گرفت. سرانجام گفت: "دیگر لازم نیست نگران باشید. فکر می کنم می توانم کمک کنم. " این ستاره نور خود را روشن تر و گرمتر از آنچه در گذشته بود تابانده است. ستاره به صخره گفت: "کمی نزدیکتر شو".

سنگ به ستاره نزدیکتر شد. ناگهان ، یخی که در شکافهای ریز سنگ جاسازی شده بود ، ذوب شد و به بخار تبدیل شد. سپس بخار در پشت ستاره دنباله دار امتداد یافته و یک دم درخشان تشکیل می دهد. دم با تمام رنگهای طیف می درخشید.

سنگ کوچک به یک دنباله دار زیبا تبدیل شده بود. خیلی شگفت انگیز به نظر می رسید متوجه شد که این ستاره به آن کمک می کند تا ظاهر خود را تغییر دهد. دنباله دار گفت: "متشکرم" و سپس با دم زیبا و جدیدی که پشت آن مانند شنل کهکشانی دنبال می شد ، پرواز کرد.